

مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۷۴۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۰۲۱۳۰۴۵۱۲۱۳ -
روابط عمومی:
نشانی: تهران خیابان خرمشهر- شماره ۲۰
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جام‌چم

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران

www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه انزو ۰۰۱۹۰۹ شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۵-۸۸۴۴۸۸۹۲

میانگانه اخلاقی روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html



تئاتر امروز رونق گرفته است

جمشید هاشم پور: فعالیت در حوزه تئاتر دشوارتر از سینما است.

در سینما و جلوی دوربین خیلی می‌توان تکرار و تمرین کرد ولی در تئاتر هر چه هست دیگر بازی شده و گذشته است اما خوشبختانه تئاتر امروز به مراتب از گذشته رونق بیشتری گرفته و مملو از جمعیت است. این باعث افتخار ما است.

بخشی از صحبت‌های هاشم‌پور در افتتاحیه نمایش «این یک اعتراف است»

در سالروز تولد داوود رشیدی، فرزند از پدر می‌گویید

بازیگری برایش شوق بود و شادی

فرهاد رشیدی / به عنوان فرزند از داود رشیدی خیلی چیزها یاد گرفتم، البته بدون اینکه خودش بخواد معلم باشد و به ما یاد بدهد. هر آنچه از او آموختم از مشاهده رفتار و منش اش بود. روش تربیتی خاصی داشت. لیبرال بود و اهل فشار و زور گوئی نبود. به هیچ وجه به خاطر ندارم نصیحت‌مان کرده باشد. در دوره نوجوانی برخی شب‌ها که مثلا درس و مشق‌ام را ننشسته بودم وقتی به پدر می‌گفتم قصد دارم فردا به مدرسه نروم، خیلی عادی پاسخ می‌داد «نرو مسأله‌ای نیست. فردا را نرو». و من با نوع واکنش او به خود می‌آمدم که مگر می‌شود مدرسه نرفت. شبانه می‌نشستم پای درس و مشق و تکالیفم را انجام می‌دادم یا وقتی مثلاً به اومی‌گفتم که اوضاع درسی‌ام خوب نیست و ممکن است امسال رد شوم، می‌گفت «مسأله‌ای نیست. فوفش یک سال هم رد می‌شوی اتفاقی نمی‌افتد. جوان هستی و جبران می‌کنی». این روزها که به آن دوران فکر می‌کنم پی می‌برم چقدر روش تربیتی او درست بود و باعث می‌شد مسئولیت‌پذیر باشم. در عین پابندی به وظایف و مسئولیت‌های پدری اش، بسیار صمیمی و شوخ‌طبع بود، همیشه او را به عنوان یک دوست می‌دیدم که موضوعی پنهانی بین‌مان وجود ندارد. برخورد و نوع رابطه‌اش با مردم هم برایم جالب و پیر از درس بود. هر جا که می‌رفتیم مردم می‌خواستند عکس بگیرند یا امضایی

تنگنایی گریبانگیر مخاطبان واقعی کتاب

مرگ» براین مگی ۶۹۰۰۰ تومان و «ابله» داستایوسکی ۹۸۰۰۰ تومان و «شکوفه‌های عناب» رضا جولایی ۴۵۰۰۰ تومان و «ایامداد خمار» ۵۵۰۰۰ تومان ارائه شده است.

پرسش اصلی این است که با این قیمت بالای کتاب آیا طرح‌های کمکی می‌تواند از افت رزوافزون آمار کتاب‌خوان‌های ایرانی جلوگیری کند؟ و از آن مهم‌تر آیا مانع قابل توجهی برای ورشکستگی و افول کتابفروشی‌های محلی خواهد بود؟ خبرهای رسیده از سوی ناشران مختلف حاکی از آن است که وعده دولت برای اعطای کاغذ دولتی هنوز عملی نشده و تجربه شخصی کتاب من که مدتی پیش مجوز انتشار گرفته اما ناشر همچنان منتظر رسیدن کاغذ برای انتشار کتاب است بخشی از این مسأله است. حقیقت این است که این طرح‌ها و بارانه‌های اندک نمی‌تواند به این سقوط قریب‌الوقوع کمک کند. سقوط فرهنگ کتابخوانی که روزبه‌روز نسبت به قبل رو به افول است. مسلما کتابخوانان ایرانی دلشان می‌خواست این تخفیف نبود اما می‌شد کتاب‌ها را به قیمت دوسه سال پیش آن خرید. متولیان طرح تابستانه و پاییزه و عیدانه با شعارهای زیبا و دلنریب، گویی چشمشان را به موج‌های بزرگ و غرق‌کننده‌ای که بازار نشر را در خود می‌بلعد فروسته‌اند. این است که یارانه و بن کتاب همان میزان است که چهار سال پیش بود و تخفیف هم اگرچه نه رقم ثابت، که درصدی است، اما سقف ۱۲۰۰۰۰ تومان یعنی یک یا نهایتاً دو کتاب برای کل سه ماه تابستان و فراغت و روزهای بلندش برایتان کافی‌ست.



الهام فلاح نویسنده

در طرح تابستانه کتاب، کتابفروشی‌هایی که در سامانه طرح ثبت‌نام کرده باشند می‌توانند برای مشتریان خود ۱۵درصد برای کتاب‌های ترجمه و ۲۵درصد برای کتاب‌های تألیفی تخفیف قابل شوند. این به شرطی است که سقف خرید مشتریان از ۱۲۰۰۰۰ تومان بالاتر نرود. این در حالی است که رقم تخفیف این طرح نسبت به طرح مشابه در پاییز گذشته یا تابستان قبلی تغییری نکرده است، اما قیمت تمام هر کتاب نسبت به سال گذشته ۶۵ درصد افزایش یافته است. ناشران زیادی در سه ماهه اخیر سال به علت تراکم کتاب‌های در انتظار چاپ، مجبور به استفاده از کاغذ خریداری شده با ارز آزاد بوده‌اند و همین مسأله قیمت کتاب را بیشتر از نرخ طبیعی تورم، دچار افزایش کرده است. کافی است سری به نزدیکترین کتابفروشی بزنید تا متوجه شوید با مبلغ ۱۲۰۰۰۰ تومان می‌توانید حد اکثر دو کتاب خریداری کنید. برای مثال آخرین قیمت کتاب «نام من سرخ» پاموک ۷۵۰۰۰ تومان، «مواجهه با



عکس‌نوشت

در حالی که تنها چند هفته به شروع اکران سراسری فیلم جدید کوئنتین تارانتینو، روزی روزگاری در هالیوود، باقی‌مانده، یک سینمای زنجیره‌ای به اسم لامودرت هاوس اعلام کرده که این فیلم را با گانگتو فرمت ۳۵ میلیتری در سراسر آمریکا به نمایش می‌گذارد. به این ترتیب تماشاگران و دوستداران تارانتینو می‌توانند این فیلم پررسانه را با فرمت مورد علاقه کارگردان تماشا کنند؛ فرمتی که به نظر می‌رسد همچنان طرفداران خودش را دارد و منسوخ نشده است.

منبع: ایندی‌وایر



عکس: آلبوم شخصی خانواده رشیدی |

و گپ و گفتی با او داشته باشند، پدر حتی در وقایتی که همه‌مان خیلی عجله داشتیم در کمال خوشرویی برخورد می‌کرد، عکس می‌گرفت، خوش ویش می‌کرد. می‌گفت من هر چه دارم از همین مردم است و نمی‌توانم به خودم اجازه دهم که به خواسته‌شان بی‌توجه باشم. پدر راجع به کار که حرف می‌زد سراپا ذوق و شوق می‌شد. می‌گفت کار به من شادی می‌دهد و خیلی خوشبختم که این شانس را دارم که مردم با محبت برخورد می‌کنند. برخی اوقات ساعت ۴ صبح سر لوکیشن می‌رفت و با وجود اینکه بعد از حدود دوسه ساعت گرم سنگین، ساعت‌ها منتظر می‌ماند تا یک پلان کوتاه را بگیرد ولی هیچ‌وقت از سختی کار حرف نمی‌زد. می‌گفت «چه سختی‌ای؟ کار است دیگر. تازه این همه هم محبت دارند

نمی‌خواهم جناح خاصی ازمن استفاده کند

حسین زمان: بعید می‌دانم ارتباطی بین اجرای من در سوم مرداد و انتخابات باشد ولی اینکه بعداً چنین استفاده‌ای شود دست من نیست. اگر بخوانند از من در انتخابات استفاده کنند، حتماً موضع خواهم گرفت و اصلاً نمی‌خواهم هیچ گروه و جناح خاصی از من استفاده کند. من به هیچ جایی وصل نیستم و عقاید خودم را دارم و هیچ دولتی کاری برای من نکرده و نتوانسته‌ام حق خودم را بگیرم.

واکنش حسین زمان به یک موضع سیاسی در نشست خبری کنسرت سوم مرداد

صبح برایم ماشین می‌فرستند». با وجود اینکه در خیلی از مراحل زندگی سختی کشیده بود ولی هیچ وقت این سختی و ناراحتی را انتقال نمی‌داد اصلاً نثار وجود ندارند. کتاب، تئاتر و سینما عشق زندگی اش بود و اغلب در خانه او را مشغول مطالعه می‌دیدیم اما حتی برای سوق دادن ما به هنر و فرهنگ و کتابخوانی هم هیچ جنبه تشویقی و ترغیبی مستقیمی در صحبت‌هایش نبود. البته که حضور در چنین محیطی ناخودآگاه ما را هم به فرهنگ و هنر علاقه‌مند کرد اما خودش هیچ چیز را تحمیل نکرد، با وجود این هر کاری که می‌کردیم می‌دانستیم پشت ماست و حمایتش را داریم. ویژگی‌های او را که مرور می‌کنم بیشتر پی می‌برم که خواهرم لیلی چقدر کامل تمام خصایص پدر را به ارث برده است. ورزش یکی دیگر از علاقه‌مندی‌های جدی پدر بود بخصوص والیبال و فوتبال. در دوره تحصیل در دانشگاه ژنو عضو تیم والیبال دانشگاه بود که اگر اشتباه نکنم قهرمان تیم‌های دانشگاهی هم بود. فوتبال بین حرفه‌ای بود و طرفدار تیم پرسپولیس. آن روزها که خیلی رسم نبود هنرمندان راجع به تیم محبوبشان موضع بگیرند و همه خود را طرفدار تیم ملی عنوان می‌کردند پدر به صراحت از طرفداری پرسپولیس می‌گفت. در یک گفت‌وگو در واکنش به خبرنگاری که با تعجب پرسید مگر شما طرفدار تیم ملی نیستید پدر پاسخ داد تیم ملی را دوست دارم، برای مسابقات برون مرزی استقلال هم برایش آرزوی موفقیت دارم اما عشق اصلی‌ام در فوتبال پرسپولیس است. بخشی از خاطرات شیرین کودکی و نوجوانی‌ام هم مربوط به همین علاقه‌مندی است که هر هفته به ورزشگاه امجدیه که نزدیک خانه‌مان بود با اسنادیوم آزادی می‌رفتیم تا بازی تیم محبوبمان پرسپولیس را تماشا کنیم.

مدرسه طبیعت راه مقابله با «فراواقعیت»

استانداردسازی می‌کنند. آنها بر جریان تخیلات مسلط می‌شوند و خیال‌های کودکان را به خدمت می‌گیرند. در برابر، مدرسه طبیعت، زمینه آشنایی کودکان با واقعیت‌های مختلف طبیعی و انسانی را فراهم می‌آورد و در جهت رشد خلاقانه و آزاد تخیلات در کودکان زمینه‌سازی می‌کند. ما در دنیای «فراواقعیت‌ها» زندگی می‌کنیم و بندرت با پدیده‌های واقعی مواجه می‌شویم، شناخت ما از یکدیگر، حیوانات، گیاهان و اشیاء براساس تصویری است که رسانه‌ها در ذهن ما ایجاد کرده‌اند؛ کودکان نیز از این امر مستثنی نیستند. آنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های هدف رسانه‌ها، جهان را از چشم آنها می‌نگرند. در چنین وضعیتی مدرسه طبیعت تلاش می‌کند تا کودکان را در دنیایی واقعی تر قرار دهد. هنگامی که کودکان درعوض سرگرم بودن با بازی‌های رایانه‌ای و تماشای منفعلانه انیمیشن‌ها و برنامه‌های تلویزیونی به نحوی فعال را به درخت، گیاه، حیوانات و کودکان دیگر بازی می‌کنند تصویر واقعی‌تری از طبیعت و انسان خواهند داشت. آنها در جریان تعامل با یکدیگر و بازی آزادانه در طبیعت بتدریج می‌آموزند که برخلاف آنچه رسانه‌ها نشان می‌دهند، نمی‌توان براحتی از بلندی به پایین پرید، ساعت یا کمربند جادویی نمی‌توانند آنها را نجات دهد و ترس و درد و هیجانات متقلاتی واقعی هستند.



سعیده ابیانه تسهیل‌گر ارتباط کودک با طبیعت

بعضی روزها که با کودکان برای دیدن و لمس کردن حیوانات به «باغ نوازش» که محل نگهداری حیواناتی چون اسب و الاغ و گاو و مارال و... است، می‌رویم شاهدیم که گاهی کودکی در میان جمع با شگفتی انگشت اشاره‌اش را به طرف یکی از حیوانات می‌گیرد و می‌گوید: «خاله ببین همون که تو کارتون هم هست، من این‌رو تو کارتون دیده بودم». گاهی می‌بینم کودکان با بستن یک ساعت که در انیمیشن شخصیت قهرمان آن را به میج دستش بسته، تصور می‌کنند قدرت بیشتری پیدا کرده‌اند و می‌توانند از عهده خیلی کارها برآیند. اما به محض اینکه ساعت خود را پیدا نمی‌کنند تصور می‌کنند قدرت خود را از دست داده‌اند و دیگر کاری از آنها بر نمی‌آید و احساس ناتوانی آنها را دربر می‌گیرد.

رسانه‌های امروز تخیلات کودکان را قالب‌بندی می‌کنند و آنها را در راستای اهداف خود

#امین_حیایی

برنامه عصر جدید به‌دلیل حرف‌های یکی از داوارانش یعنی امین حیایی جنجالی شد. یکشنبه شب حیایی به یکی از شرکت‌کنندگان که از سیستان و بلوچستان آمده و در حال تعریف کردن خاطره‌ای از تأخیر خود به‌دلیل دوش گرفتن بود، گفت: «گفتن برو تا سفید نشدی بیرون نیا» این حرف به گفته بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی نژادپرستانه بود و فیلم این بخش از برنامه را بسیاری از آنها بازنشر کردند و به امین حیایی حساسی تاختند بخصوص اهالی سیستان و بلوچستان. البته بعضی‌ها هم می‌گفتند فقط شوخی بوده و بقیه سخت گرفته‌اند. این اظهارنظرها را با هشتگ #امین_حیایی در شبکه‌های اجتماعی خواندیم؛ بهروز عزیزی: «اگر شوخی نژاد پرستانه امین حیایی به جای رسانه ملی در یک رسانه بین‌المللی انجام شده بود، قطعاً برخورد‌های جدی‌با آن صورت می‌گرفت، اما از آنجا که جناب فروغی مشغول قلع و قمع کردن عادل فردوسی‌پور و امثال او هستند، قطعاً فرصتی برای واکنش به این رفتارهای سخیف نخواهند داشت». آنشروی با موهای خرمایی: «روزی صد بار داریم نژاد و رنگ و لهجه و اصالت همو به رگبار می‌بندیم حالا واسه به شوخی امین حیایی خونمون به جوش اومد. شما دهاتی بودن کسی رومسخره نکن نمی‌خواد دلت واسه بقیه

هشتگ

بسوزه دلواپس جان»، محسن هادی: «غم‌انگیزتر از نژادپرستی امین حیایی، خنده همین جوان تیره پوست است که گویا تحقیر برایش درونی شده و مشکلی با تمسخر ندارد.»، خلیل الله بلوچی: «شوخی نژادپرستانه امین حیایی در عصرجدید به یک پسر بچه سیاه پوست بلوچ که می‌گوید: [آنقدر میشتی سفید شی تا سفیدبار و از آن غم‌انگیزتر تشویق حضار است! جهان هرچی به سوی ترقی و پیشرفت حرکت کند، صداوسیما و مجریانش هنوز به رنگ و پوست آدم‌ا کار دارند. متأسفم!»، رضا کاظمی: «کلاً تیکه پرانی و این نوع شوخی در کشور ما رایجه و امین حیایی هم مستثنی نیست از این قضیه. معتقدم بدون پشتوانه فکری این حرف رو زده و خواسته دلقک بازی در برابر آموذ توجه واقع بشه.»، کاوه: «شوخی امین حیایی که حتماً نیت توهین نداشته، خنده و تشویق افراد در استودیو که حتماً قصد آزار نداشتن و دفاع کاربران از حیایی که حرفش رو «صرفاً یک شوخی» می‌دونند، اگرچه دلالت بر نژادپرستی نمی‌کند اما حاکی از ضعف آگاهی عمومی در مورد مصادیق سخن نژادپرستانه و توهین به دیگری است.»، لرد لیلزاد: «یعنی منی که از نژاد پرستی متفرم خصوصاً اگر تفاوت رنگ پوست باشه این حرف امین حیایی رو شوخی برداشت کردم نه چیز دیگه!».

شهر وند مجازی

بگانه خدماتی

| | | | | | |
|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| | | | | | |
| ۳۱ | ۴۰ | ۴۱ | ۳۷ | ۴۸ | ۳۷ |
| رشت | شیراز | یزد | بندرعباس | اهواز | مشهد |
| ۲۳ | ۲۰ | ۲۷ | ۲۹ | ۲۹ | ۲۲ |

امام‌صادق علیه‌السلام:

سخن روز

یک درهم ریا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا و

فرمود ریا هفتاد جزء دارد که آسان‌ترین‌اش این است که مرد با مادرش در بیت الله الحرام ازدواج کند

بحار الانوار (ط‌بیروت) ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۱۷، ج ۱۳- تفسیر نور الثقلین ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۱۷۷

می‌گفتند علی حاتمی تاریخ را تحریف کرده است

مهدی رحمانی: می‌پرسند چرا مهرجویی فیلم خوب نمی‌سازد. خب چه شرایطی برایش فراهم کردید؟ او که هر فیلمی ساخت توقیف کردید... علی حاتمی که آلان عکس‌اش روی پوست‌های جشنواره‌هایمان نشسته‌وشده شاعر سینمای ایران، هر فیلمی که می‌ساخت مجله «فیلم» آن رامی‌زدومی‌گفت این چه نگاه تاریخی‌ای است؟ دروغین است. تحریف تاریخ است. یک سیم‌رغ هم به حاتمی ندادند.

گفت‌وگو با کارگردان و بازیگران

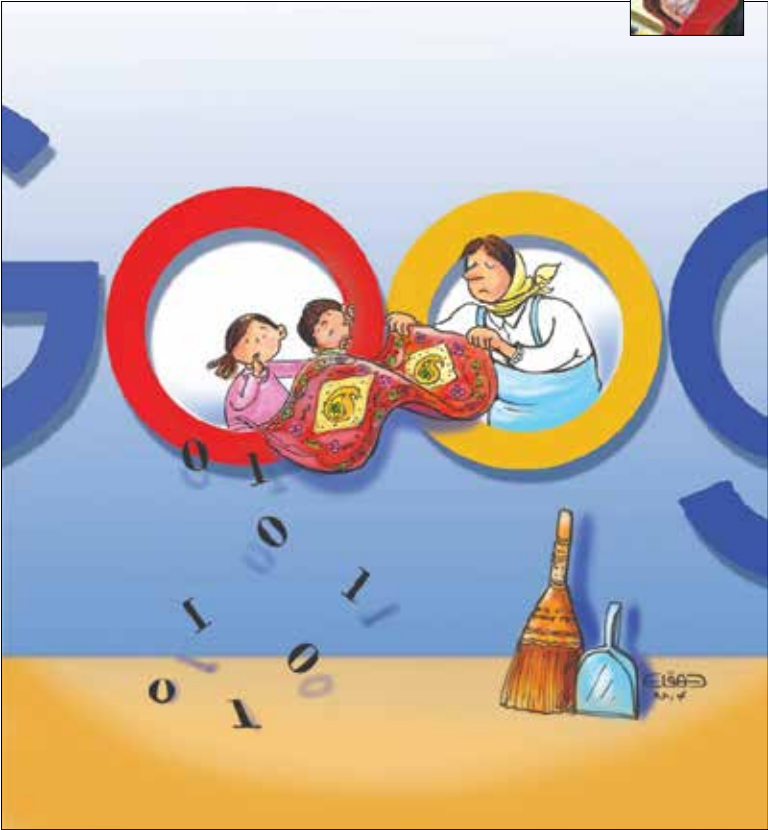
فیلم «کارت پرواز» را در صفحات ۸ و ۹ بخوانید

نگاره

منصوره دهقانی



بومی سازی شبکه ملی ارتباطات



حسرت فقدان یک سینمادوست واقعی

ساخت فیلم انتخاب کنیم. زاون هم جزو داوران انتخاب طرح‌ها بود و کنار هم این طرح را پیش بردیم. زاون بسیار آدم سالمی بود و دغدغه‌اش این بود که علاقه‌مندان به فیلمسازی در کنار علاقه و استعداد، با الفبای فیلمسازی هم آشنا شوند و کار را از ریشه خوب یاد بگیرند. همین دقت و دغدغه‌اش باعث شد که شاگردان بسیار خوبی تربیت کند.

زاون هم اخلاق‌مدار بود و هم شخصیت سالمی داشت. آدمی بود دلسوز و مهربان و همین حسن اخلاقش باعث می‌شد کسی در برابر او بجهیه نکیرد اما متأسفانه طبق معمول ما منتظر کسی بیمیر بعد برایش بزرگداشت و یادبود ... بگیریم. اگر زاون الان زنده بود شاید حتی برای جشنواره کودک و نوجوان هم از او دعوت نمی‌کردند و این چه خصلت و خصوصییتی است واقعا سر در نمی‌آورم. همین آقای پوراحمد مگر کم کسی است؟ هنوز هم خودم «قصه‌های اصفهان رفته بودیم که برحسب اتفاق زاون هم برای ساخت فیلم مستندش آنجا بود. با آقای پوراحمد سلام و علیک کردند و آقای پوراحمد هم من را معرفی کردند و مرحوم زاون هم بسیار خوش‌برخورد با من رفتار کرد و کلی تعریف و تمجید نثارم کرد. این اولین دیدار ما بود و بعد از این دوره، کمی که بزرگ‌تر شدم سلام و علیک من با آقای قوکاسیان هم بیشتر شد. سال ۱۳۹۲ توانستم برای یک جشنواره کودک و نوجوان مقداری بودجه برای ساخت فیلم کوتاه جذب کنم و به همین دلیل هم فراخوان دادیم تا متقاضیان طرح‌های خودشان را به جشنواره ارائه کنند تا با این بودجه بتوانیم طرح‌های منتخب را برای

«ایران»: یک هفته قبل از برگزاری سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان برای پاسداشت مقام زاون قوکاسیان منتقد فقید سینما، برنامه‌ای با عنوان «شب زاون» در موزه هنرهای معاصر اصفهان برگزار می‌شود.



مهدی باقربیگی بازیگر

من اولین بار مرحوم زاون قوکاسیان را وقتی مشغول فیلمبرداری «قصه‌های مجید» بودیم دیدم. با تیم فیلمبرداری برای ضبط سکانسی در یک کلسای قدیمی به محله جلفا اصفهان رفته بودیم که برحسب اتفاق زاون هم برای ساخت فیلم مستندش آنجا بود. با آقای پوراحمد سلام و علیک کردند و آقای پوراحمد هم من را معرفی کردند و مرحوم زاون هم بسیار خوش‌برخورد با من رفتار کرد و کلی تعریف و تمجید نثارم کرد. این اولین دیدار ما بود و بعد از این دوره، کمی که بزرگ‌تر شدم سلام و علیک من با آقای قوکاسیان هم بیشتر شد. سال ۱۳۹۲ توانستم برای یک جشنواره کودک و نوجوان مقداری بودجه برای ساخت فیلم کوتاه جذب کنم و به همین دلیل هم فراخوان دادیم تا متقاضیان طرح‌های خودشان را به جشنواره ارائه کنند تا با این بودجه بتوانیم طرح‌های منتخب را برای

مصاحبه با پمپئو

واکنش‌ها به اتفاقات دیروز نیویورک و حرف‌های پمپئو را بخوانید: ابراهیم گراوند: «پمپئو رو تو شبکه افق دعوت کنید مجریشم یامین‌پور باشه، تاریخ نشون داده تئدروها با هم کنار میان»، نجات: «پمپئو گفته اگر پیشنهاد حضور زیادی در تلویزیون ایران داده شود، آن را خواهم محدودیتی که برای حضور محمدجواد ظریف در نیویورک در نظر گرفته شده و حرف‌های مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا شورد توجه قرار گرفت. پمپئو گفته بود با اعطای ویزا به محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، برای سفر به نیویورک موافقت کرده اما ظریف و هیات همراه، مجازند که فقط بین مقر سازمان ملل و دفتر نمایندگی ایران و محل اقامت نماینده ایران در سازمان ملل تردد کنند. از طرف دیگر او گفت: «اگر پیشنهاد حضور در تلویزیون ایران داده شود، آن را خواهم پذیرفت چرا که ظریف نیز چنین فرصتی داشته است»، درباره این حرف‌ها و این تصمیم‌ها کاربران زیادی اظهارنظر کردند و در مقابل کسانی که وضعیت را تحلیل می‌کردند مخالفان دولت و برجام با کنایه از این می‌نوشتند که محدودیت‌های ظریف در نیویورک از دستاوردهای برجام است.

ماجرای

حضور وزیر امور خارجه و نمایندگان ایران در نیویورک برای حضور در نشست سازمان ملل یکی از موضوعاتی است که این روزها زیاد درباره آن صحبت می‌شود و اخبارش بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی دارد. دیروز محدودیتی که برای حضور محمدجواد ظریف در نیویورک در نظر گرفته شده و حرف‌های مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا شورد توجه قرار گرفت. پمپئو گفته بود با اعطای ویزا به محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، برای سفر به نیویورک موافقت کرده اما ظریف و هیات همراه، مجازند که فقط بین مقر سازمان ملل و دفتر نمایندگی ایران و محل اقامت نماینده ایران در سازمان ملل تردد کنند. از طرف دیگر او گفت: «اگر پیشنهاد حضور در تلویزیون ایران داده شود، آن را خواهم پذیرفت چرا که ظریف نیز چنین فرصتی داشته است»، درباره این حرف‌ها و این تصمیم‌ها کاربران زیادی اظهارنظر کردند و در مقابل کسانی که وضعیت را تحلیل می‌کردند مخالفان دولت و برجام با کنایه از این می‌نوشتند که محدودیت‌های ظریف در نیویورک از دستاوردهای برجام است.